



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1202

Lesson No: 1202 Tags: American Language Course, UNIT 1202, Glossary

What time	چه وقتی؟ کلمه پرسشی که در مورد یک زمان مشخص سؤال می کند.	Bacon	گوشت خوک دودی شده یا در نمک خوابانده
Always	همیشه	Bacon and eggs	تخم مرغ بیکن، صبحانه محبوب آمریکایی ها
Usually	معمولاً	Toast	نان توست، نان برشته
Sometimes	بعضی وقتها، گاهی اوقات	Coffee	قهوه
Cafeteria	کافه تریا، نوعی رستوران سلف سرویس	If	اگر
Where	کلمه پرسشی که در مورد مکان سؤال می کند.	Paper	روزنامه
Have to	باید، مجبور بودن	Then	سپس
By	تا	Drive	رانندگی، رانندگی کردن
By 9 o'clock	تا ساعت ۹	Take	گرفتن، سوار شدن
Ever	هیچوقت (در جملات منفی و سؤالی)	Live	زندگی کردن
Without	بدون	Far	دور
Without breakfast	صبحانه نخورده	Walk	قدم زدن
Too	خیلی، خیلی زیاد، بسیار	Get	رسیدن
Hungry	گرسنه	Lucky	خوشبخت
Office	اداره، دفتر کار	Because	زیرا، چونکه، به خاطر اینکه
Crowded	شلوغ	Enjoy	لذت بردن
Restaurant	رستوران	Work	کار
Often	اغلب، اکثر اوقات	Go by	سپری شدن، گذشتن
Feel	احساس کردن	Quickly	به سرعت
Afford	استطاعت (مالی) داشتن، توان مالی داشتن (معمولاً با can به کار می رود).	With	با، همراه
Mean(v.)	منظور داشتن	Who	که (ضمیر موصول)
I know what you mean.	می دونم منظورت چیه. می فهمم چی می گی.	Go back	برگشتن
Expensive	پرهزینه، گران	Until	تا
Food	غذا	It takes	وقت گرفتن، طول کشیدن
Bath	حمام، دستشویی	From	از
Take a bath	حمام رفتن، دستشویی رفتن	After	بعد از
Dress	لباس پوشیدن	Watch	تماشا کردن
Have	خوردن، نوشیدن، داشتن	Television	تلویزیون
Orange	پرتقال	Letter	نامه
Juice	شیره، افشیره، آب میوه	Movie	فیلم
		Bed	تخت خواب
		About	حدود
		Downtown	مرکز شهر



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1202

Lesson No: 1202 Tags: American Language Course, UNIT 1202, Glossary

Vocabulary	واژگان، مجموعه لغتهای هر زبان	Review Practice	تمرین مروری
Slice	برش، قطعه، تکه	Party	مهمانی
Prize	جایزه	Etc. (Et cetera)	و غیره
Get the prize	دریافت کردن جایزه	Main verb	فعل اصلی
He <u>does</u> enjoy movies.	در اینجا does فعل کمکی برای تأکید است. یعنی او واقعاً از فیلم لذت می برد.	Highway	اتوبان، شاهراه
Watch for	مراقب بودن	Right	صحیح، درست
Watch for cars.	مراقب خودروها باش.	That's right.	درسته.
Cross	عبور کردن از عرض خیابان	At noon	سر ظهر، رأس ساعت ۱۲ ظهر
Favorite	مورد علاقه، محبوب	Close(v.)	بستن
Program	برنامه	Coffee break	مرخصی چند دقیقه ای که علاوه بر مرخصی وقت ناهار در میان روز به کارمندان داده می شود تا استراحت کوتاهی بکنند و نوشیدنی صرف نمایند.
Glass	لیوان	Corner	گوشه، گُنج
Adverb	قید	Notice	توجه کردن، آگاه بودن
Frequency	تکرار، بسامد، تواتر، فرکانس	Such as	از قبیل، مانند
Sleep	خوابیدن	Are you ever here?	آیا تو هیچوقت اینجا هستی؟
Late	دیر	Big breakfast	صبحانه کامل
Tea	چای	Big newspaper	روزنامه پرخبر و با صفحات زیاد
Early	زود	In a cab	با یک تاکسی تلفنی
Cab	تاکسی کرایه ای، تاکسی تلفنی	Teach	تدریس کردن
Need	نیاز داشتن	Call	تلفن زدن، تماس گرفتن
Private	خصوصی، شخصی	Understand	فهمیدن، متوجه شدن
Private home	منزل شخصی	Affirmative	مثبت
Apartment	آپارتمان	Negative	منفی
House	خانه	Only	فقط
Send	ارسال کردن	Possible	ممکن
Right away	فوراً	Statement	عبارت، جمله
Hurry	عجله کرن	Already	هم اکنون، تاکنون، در حال حاضر
I'm late.	دیرم شده.	Hard(adv.)	به سختی
There	آنجا	Hard(adj.)	سخت، مشکل، دشوار
In	در عرض، ظرف مدت	Rewrite	بازنویسی کردن، دوباره نوشتن
In ten minutes	در عرض ده دقیقه	Indicated	نشان داده شده
By	بوسیله	Empty	خلوت، خالی
Travel	سفر کردن		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1202

Lesson No: 1202 Tags: American Language Course, UNIT 1202, Glossary

Waitress	پیش خدمت رستوران(زن)	Intend to	قصد داشتن، فعلی برای بیان قصد انجام کاری در آینده
Waiter	پیش خدمت رستوران(مرد)	Seldom	به ندرت
Busy	مشغول، در حال کار	So	آنقدر، این همه
Still	هنوز (در جملات مثبت)	So late	به این دیری
Yet	هنوز (در جملات منفی و سوالی)	Here's the cab.	تاکسی اینجاست. تاکسی رسیده اینجا.
Wait	منتظر ماندن، صبر کردن	See you later.	بعداً می بینمت.
Up	بیدار	For now	فعلاً
Are they up yet?	هنوز آنها بیدار نشده اند؟	By for now.	فعلاً خدا نگهدار.
Is the cafeteria crowded yet?	هنوز کافه تریا شلوغ نشده؟	Trip	سفر
Special	خاص، ویژه	Take trip	سفر کردن
Expression	اصطلاح، بیان، عبارت	Service	خدمت، خدمت رسانی
Polite	مؤدب، محترمانه	The movies	سینما
Inquiry	پرسش، سؤال	Zoo	باغ وحش
Request	درخواست، خواهش، تقاضا	Take	طول کشیدن
Shall I?	اصطلاح مؤدبانه برای پرسش یا تقاضای انجام کاری توسط اول شخص مفرد	The trip will take 20 minutes.	سفر ۲۰ دقیقه طول خواهد کشید.
Shall I bring your book?	می خواهید کتابتون رو بیارم؟	Time	بار، مرتبه
Shall I call a cab for you?	می خواهید براتون تاکسی خبر کنم؟	Three times a week	هفته ای سه بار
Shall we?	اصطلاح مؤدبانه برای پرسش یا تقاضای انجام کاری توسط اول شخص جمع	Drive(n.)	ماشین سواری
Shall we go to the movies?	می خواهید بریم سینما؟	Take a drive	ماشین سواری کردن، دور زدن (با خودرو)
Where shall we go?	کجا می خواهید برویم؟	We often take a drive after dinner.	ما اغلب بعد شام با ماشین یه دوری می زنیم.
Frequently(adv.)	مکرراً، بطور مکرر	Look out!	مواظب باش!
Once	یک مرتبه	Watch	مراقب بودن، پاییدن
At once	فوراً	Curve	منحنی، جاده پر پیچ و خم
At the corner	واقع در گوشه	Ahead	جلو، مقابل
Is he speaking English yet?	هنوز انگلیسی حرف نمی زنه؟!	Watch that curve ahead!	اون پیچ و خم جلو رو مواظب باش!
I don't know the lesson yet.	هنوز درس رو بلد نشدم.	Boy(Interj.)	ای وای! (حرف ندا برای نشان دادن حالت تعجب یا خوشی و...)
Dialog	گفتگو، مکالمه	Almost	تقریباً
Expect to	انتظار داشتن، فعلی برای بیان قصد انجام کاری در آینده	I almost missed it.	نزدیک بود ازش رد بشم.
Plan to	قصد داشتن، فعلی برای بیان قصد انجام کاری در آینده	Miss(v.)	انجام ندادن، جا انداختن، از دست دادن
Hope to	امیدوار بودن، فعلی برای بیان قصد انجام کاری در آینده	I missed the flight.	از پرواز جا ماندم.
Want to	خواستن، فعلی برای بیان قصد انجام کاری در آینده	Slow down.	سرعت رو کم کن.



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)
 Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1202
 Lesson No: 1202 Tags: American Language Course, UNIT 1202, Glossary

Warning	هشدار، اخطار	Dime	دایم، سکه ۱۰ سنتی
Sign(n.)	علامت، تابلو	Quarter	کوآرت، سکه ۲۵ سنتی
Put on	ترمز گرفتن	Cost(v.)	ارزش داشتن، ارزیدن، هزینه داشتن
Brake	ترمز	Plenty of	زیاد، خیلی زیاد
Don't put on the brakes so fast.	اینقدر تند تند ترمز نگیر.	Change(n.)	پول خرد
Turn over	واژگون شدن، چپ کردن	I have plenty of change.	من به عالمه پول خرد دارم.
Get	شدن	Brand	برند، نام تجاری
Thirsty	تشنه	Any brand will be fine.	هر برندی (باشه) خوبه.
Get thirsty	تشنه شدن	Explain	توضیح دادن
Sleepy	خواب آلوده	It is still up.	بچه هنوز بیداره.
Roommate	هم اتاقی	Stress	فشار کلمه
Not always.	نه همیشه.	Tip	نوک
True	صحیح	Tongue	زبان(عضو بدن)
That's true.	درسته، صحیح می فرمایید.	Ridge	برجستگی، برآمدگی
Rush	شتافتن، شتابیدن، با عجله انجام دادن	Tooth ridge	برآمدگی دندانها
Rush hour	وقت عجله، مواقعی که مردم برای رسیدن به جایی یا انجام کاری شتاب می کنند. (مانند ترافیک صبحگاهی)	Behind	پشت، عقب
Convenient	راحت و مناسب، نزدیک و بی دردسر	Upper	بالایی
Another	دیگر، دیگری	Middle	وسط
Short	کوتاه	Lower	پایین تر
This one	این یکی	Side	کناره
I do too.	منم همینطور.	Touch	لمس کردن، برخورد کردن
Over there	همان آنجا (کلمه over برای تأکید آمده است).	Pass out	پخش شدن، منتشر شدن
Machine	دستگاه	Over(adv.)	بالای، فوق
Cigarette machine	دستگاه (خودکار) فروشنده سیگار		
Operate	به کار انداختن، استفاده کردن		
I don't either.	منم همینطور		
Let's... = Let us	بیا...، بیایید...		
Let's learn.	بیایید یاد بگیریم.		
Let's go.	بیا برویم. بیایید برویم.		
Directions	دستورالعمل ها		
Coin	سکه، پول فلزی		
Nickel	نیکل، سکه ۵ سنتی		